



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

:: جزء هفتم ::

جزء هفتم قرآن کریم از آیه ۸۲ سوره مائده تا پایان و آیات اول تا ۱۱۰ سوره انعام؛ در حدود ۱۵۰ آیه را دربر گرفته است.

معارف محوری سوره مائده: آیات ۸۲ تا پایان

چند حکم فقهی

در این بخش یعنی آیات ۸۲ تا ۱۰۹ احکام برخی از موضوعات مانند خوراکی‌ها، سوگند، شراب و قمار بیان شده است.

حلال و حرام خدا را تغییر ندهید

خداوند متعال در آیه ۸۷ می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حد، تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد. در شأن نزول این آیه آمده است: بعضی از بزرگان صحابه، مانند سلمان، ابوذر و مقداد تصمیم گرفتند به طور کامل از دنیا و لذت‌های آن کناره‌گیری کرده و فقط عبادت کنند برای مثال عطر نزنند و گوشت نخورند. پیامبر اکرم ﷺ پس از با خبر شدن از این تصمیم در خطبه‌ای فرمودند:

«مَا بَأْسَ أَقْوَامٍ حَرَّمُوا النِّسَاءَ وَ الطَّيِّبَ وَ النَّوْمَ وَ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا أَمَا إِنِّي لَسْتُ أُمْرُكُمْ أَنْ

تَكُونُوا قِيسِيَّيْنَ وَرَهْبَانًا فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي دِينِي تَزَكُ اللَّخِيمِ وَالنِّسَاءِ وَلَا اتِّخَاذُ الصَّوَامِعِ وَ
إِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي وَرَهْبَانِيَّتَهُمُ الْجِهَادُ^۱

چه شده است که کسانی زنان و عطر و خواب و خوشی‌های دنیا را بر خود حرام کرده‌اند؟ آگاه باشید که من از شما نخواستم که همچون کشیشان و راهبان زندگی کنید، نخوردن گوشت، ترک زناشویی و درکنجی نشستن و فقط عبادت کردن از دین من نیست؛ سیاحت (عبادت و سیر و سفر درویشانه) و رهبانیت (دیرنشینی) اُمّت من، جهاد است.

کفاره شکستن سوگند

در آیه ۸۹، قرآن کریم درباره قسم خوردن و کفاره شکستن آن با مؤمنین سخن می‌گوید:

«لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَوْ هَلِيكُمُ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

خداوند شما را به دلیل سوگندهای بیهوده (به دور از قصد جدی) بازخواست نمی‌کند؛ ولی در برابر سوگندهایی که [از روی اراده] و با جدیت خورده‌اید، مؤاخذه می‌کند. کفاره این‌گونه قسم‌ها، غذا دادن به ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می‌دهید یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر یا آزاد کردن یک برده است و کسی که توان هیچ کدام از اینها را ندارد؛ سه روز را روزه بگیرد. این، کفاره سوگندهایی است که یاد کرده و بعد آن را شکسته‌اید. و سوگندهای خود را حفظ کنید [و نشکنید!] خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند، شاید شکر او را به جا آورید.

این دستور و این گونه مجازات شکستن قسم، نشان دهنده حساس بودن این موضوع است؛ بنابراین لازم است مؤمنین در سخنان خود مراقب قسم‌هایی که بر سر زبان می‌آورند باشند.

شراب و قمار

در آیه ۹۰ تا ۹۳ خداوند متعال درباره برخی از گناهان کبیره؛ مانند شراب‌خواری و قمار بازی با مؤمنین سخن می‌گوید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلٍ

۱. تفسیر الثعلبی، ج ۴، ص ۱۰۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۲۸.

الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و آلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است؛ از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.

آیه ۹۱ در بیان فلسفه تحریم این امور می‌فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ
يَصِدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»

شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کرده و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا [با این همه زیان و فساد، و با این تأکید] از آن خودداری خواهید کرد؟

واقعیتی را که آیه از آن خبر می‌دهد با کمی دقت در بین مردم نیز می‌توان مشاهده کرد. کم نیستند کسانی را که به دلیل دوری از نماز و دیگر آداب دینی؛ آلوده به شراب‌خواری و قماربازی شده‌اند. بنابراین همان‌گونه که نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد^۲، قمار و شرب خمر و این‌گونه اعمال زشت و ناشایست نیز انسان را از نماز و یاد خدا محروم می‌کند.

در روایتی امام رضا علیه السلام فرمود:

«مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِتَحْرِيمِ الْخَمْرِ»^۳

هر پیامبری که مبعوث شد حرام بودن شراب را به مردم اعلام کرد.

ممنوعیت بدعت‌گذاری در دین و لزوم تدین به احکام الهی

در آیه ۱۰۳، قرآن درباره بدعت‌گذاری در دین سخن می‌گوید. این آیه تأکید می‌کند که انسان حق ندارد از پیش خود چیزی را به خداوند نسبت دهد:

«مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ
عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»

خداوند هیچ‌گونه «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده است (اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی است که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را به دلایلی حرام می‌دانستند و این بدعت، در اسلام ممنوع شد.)؛ ولی کسانی که کافر شدند، بر

۱. المائدة: ۹۰.

۲. العنکبوت: ۴۵.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۴۸.

خدا دروغ می‌بندند و بیشتر آنها نمی‌فهمند.

توضیح این چهار نوع حیوان:

۱. «بحیره» به حیوانی می‌گفتند که پنج بار زاییده بود و پنجمین آنها مادّه و به روایتی نر بود. گوش چنین حیوانی را شکاف وسیعی می‌دادند و آن را به حال خود آزاد می‌گذاشتند و از کشتن آن صرف نظر می‌کردند.
۲. «سائبه» شتری بوده که دوازده- و به روایتی ده- بچه می‌آورد. آن را آزاد می‌ساختند و حتی کسی سوار بر آن نمی‌شد. تنها گاهی از شیر آن می‌دوشیدند و به میهمان می‌دادند.
۳. «وصیله» به گوسفندی می‌گفتند که هفت بار فرزند می‌آورد و به روایتی به گوسفندی می‌گفتند که دوقلو می‌زایید؛ کشتن چنان گوسفندی را نیز حرام می‌دانستند.
۴. «حام» به حیوان نری می‌گفتند که ده بار از آن برای تلقیح حیوانات ماده استفاده می‌کردند و هر بار فرزندی از نطفه آن به وجود می‌آمد.

در روایتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مذمت بدعت نقل شده است:

«كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ»^۱

هر بدعتی ضلالت و گمراهی است هر گمراهی، راهش به سوی دوزخ است.

ترسیم قیامت و شهادت پیامبران الهی

در بخش بعد از آیه ۱۰۹ به بعد سوره مائده ترسیمی از قیامت و شهادت دادن انبیای الهی در محضر خداوند متعال نسبت به رفتار ائمت‌های آنان آمده است:

«يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»

[از] روزی [بترسید] که خداوند، پیامبران را جمع می‌کند و به آنها می‌گوید: «[در برابر دعوت شما،] چه پاسخی به شما داده شد؟»، می‌گویند: «ما چیزی نمی‌دانیم تو خود، از همه اسرار نهان آگاهی.»

شهادت دادن حضرت عیسی علیه السلام در روز قیامت با یادآوری نعمت‌های الهی به او

در آیه ۱۱۰، خداوند از ماجرای حضرت عیسی علیه السلام و یادآوری نعمت‌هایی که به او عطا کرده سخن گفته است:

«إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۶؛ المحاسن، ص ۲۰۷؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۷۲.

بِرُوحِ الْقُدْسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهَلًا وَإِذْ عَلَّمْتِكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ
التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ
طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ
كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا
سِحْرٌ مُّبِينٌ»

[یاد کنید] هنگامی که خدا فرمود: ای عیسی بن مریم! نعمتم را بر خود و بر مادرت
یاد کن، آن گاه که تو را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدم تا با مردم در گهواره
[به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] سخن گفتمی و آن گاه که تو را کتاب و حکمت و
تورات و انجیل آموختم و هنگامی که به اذن من از گل، مجسمه‌ای به شکل پرنده
می ساختی، پس در آن می دمیدی و به فرمان من، پرنده‌ای زنده می شد و کور مادر
زاد و شخص پیس را به اذن من شفا می دادی و زمانی که مردگان را به اجازه من
[زنده از گورا] بیرون می آوردی و آن گاه که [شرّ و آسیب] بنی اسرائیل را هنگامی که
برای آنان دلایل روشن آوردی از تو بازداشتی؛ پس کسانی از آنان کافر شدند، گفتند:
این [دلایل و معجزات] جز افسونی آشکار نیست.

سؤال از حضرت عیسی علیه السلام در باره اعمال امت و شرک آنها

در آیات ۱۱۶ تا ۱۱۸، خداوند متعال، نصاری (پیروان عیسی علیه السلام) را که معتقد به خدا بودن پیامبر خود
شدند بازخواست می کند و عیسی علیه السلام از کسانی که او را خدا دانسته اند اعلام تبرّی و بیزار می نماید.

معارف محوری سوره انعام: آیات ۱ تا ۱۴۱

سوره مبارکه انعام، سوره بسیار با فضیلتی است که بر اساس آنچه در روایت آمده است هفتاد هزار
فرشته به هنگام نزول این سوره آن را بدرقه کردند و هر کس که این سوره را بخواند تمام آن فرشتگان
برای او از خداوند طلب آموزش می کنند.^۱

در این سوره به مسائل مهم اعتقادی پرداخته شده است که همین امر نشان از اهمیت فراوان این
سوره می دهد.

تدبیر جهان به دست خداوند است

در آیات ۱ تا ۷ خداوند متعال بیان می دارد که تدبیر جهان به دست او است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ

۱. تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۲۱.

كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ^۱

ستایش برای خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و ظلمت‌ها و نور را پدید آورد؛ اما کافران برای پروردگار خود، شریک و شبیه قرار می‌دهند [با اینکه دلایل توحید و یگانگی او، در آفرینش جهان آشکار است].

خداوند برای هرانسانی دو اجل قرار داده است

در آیه ۲ به نکته مهمی اشاره شده است:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ»

او کسی است که شما را از گِل آفرید؛ سپس مدتی مقرر داشت [تا انسان تکامل یابد] و اجل حتمی نزد اوست [و فقط او از آن آگاه است]. با این همه، شما [مشرکان در توحید و یگانگی و قدرت او]، تردید می‌کنید.

از این آیه معلوم به دست می‌آید که انسان دو اجل و پایان دارد. شخصی به نام حُمران از امام باقر علیه السلام معنای این دو «اجل» را که در این آیه شریفه آمده است می‌پرسد. امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید:

«هُمَا أَجَلَانِ أَجَلٌ مَّخْتُومٌ وَأَجَلٌ مَّوْقُوفٌ»^۲

این دو اجل، همان «اجل حتمی» و «اجل معلق» هستند.

«اجل معلق» اجلی است که ممکن است به دلیل بعضی از گناهان جلو بیفتد یا به دلیل برخی عبادات و اعمال حسنه به تأخیر افتد. در روایات متعددی هست که گاهی عمر انسان برای برقراری صله رحم، ۳۰ سال افزایش پیدا کرده و گاهی برای قطع آن تا ۳۰ سال کاهش می‌یابد.^۳

جهانی بودن و جاودانگی قرآن

در آیه ۱۹ به یکی از ویژگی‌های مهم قرآن که جهانی بودن آن است اشاره شده است. قرآن کتابی است که برای همه عصرهای بشری نازل شده است:

«وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ»

این قرآن بر من وحی شده تا شما و تمام کسانی که این قرآن به آنها می‌رسد را بیم دهم [و از مخالفت فرمان خدا بترسانم].

۱. الانعام: ۱.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۴۷؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۵۴-۳۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۴۰.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۳، حدیث ۱۷.

امام رضا علیه السلام از پدرشان امام موسی کاظم علیه السلام نقل می‌کند:

«إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزِدُّادُ عِنْدَ النَّشْرِ وَالِدِرَاسَةِ إِلَّا عَصَافَةً فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْهُ لِرَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِتَأْسٍ دُونَ نَأْسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَصٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱

مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا قرآن هر چه بیشتر پخش شود و بیشتر مورد بحث قرار گیرد تازه تر و شاداب تر می‌شود؟ آن حضرت علیه السلام در پاسخ فرمود: زیرا خدای متعال آن را مخصوص زمانی خاص یا ویژه گروهی از مردم قرار نداده است؛ به همین دلیل است که در هر زمان، نو و نزد هر جماعتی، تازه است و این تاریخ قیامت ادامه دارد.

دستور اخلاقی در مورد معاشرت با فقرا

در ادامه آیات، خداوند دستورات اخلاقی مهم و زیبایی بیان کرده است. در آیات ۵۲ تا ۵۵ درباره معاشرت با فقرا و نیازمندان فرموده است:

«وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَنْتَضِرُهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ»

و کسانی را که صبح و شب، خدا را می‌خوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن. نه چیزی از حساب آنها برتوست و نه چیزی از حساب تو بر آنها. اگر آنها را طرد کنی، از ستمگران خواهی بود.

در شأن نزول این آیه نوشته‌اند:

جمعی از قریش از کنار مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گذشتند و این در حالی بود که «صهیب»، «عمار»، «بلال»، «خباب» و مسلمانان کم بضاعت و کارگر دیگری مانند آنها در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. آنها که عبور می‌کردند از مشاهده این صحنه تعجب کردند [و از آنجا که شخصیت را در مال و ثروت و مقام می‌دانستند نتوانستند عظمت مقام روحی این مردان بزرگ و نقش سازنده آنها را در ایجاد جامعه بزرگ اسلامی در آینده درک کنند] گفتند: ای محمد! آیا به همین افراد از میان جمعیت قناعت کرده‌ای؟ اینها هستند که خداوند از میان ما انتخاب کرده؟! ما پیرو اینها باشیم؟ هر چه زودتر آنها را از طرف خود دور کن، شاید ما به تو نزدیک شویم و از تو

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۵.

پیروی کنیم! که آیات فوق نازل شد و این پیشنهاد را به شدت رد کرد.^۱

دستور اخلاقی در مورد دوری از اهل باطل

در برابر دستور گذشته، آیه ۶۸، به مسلمانان دستور می‌دهد که نباید با اهل دنیا و کسانی که آیات الهی را به تمسخر می‌گیرند معاشرت و نشست و برخاست کنند:

«وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما [به قصد شبهه اندازی] به یاوه‌گویی و سخن بی‌منطق می‌پردازند از آنان روی گردان [و مجلس‌شان را ترک کن] تا در سخنی دیگر در آیند. و اگر شیطان تو را [نسبت به ترک مجلس‌شان] به فراموشی اندازد، پس از یاد آوردن [به سرعت بیرون برو و] با گروه ستمکاران منشین.

امام جعفر صادق علیه السلام در روایتی نورانی فرمودند:

«ثَلَاثَةٌ مَجَالِسٍ يَمَقُّتُهَا اللَّهُ وَ يَرْسُلُ نَقَمَتَهُ عَلَىٰ أَهْلِهَا فَلَا تَقَاعِدُوهُمْ وَلَا تَجَالِسُوهُمْ مَجْلِسًا فِيهِ مَنْ يَصِفُ لِسَانَهُ كَذِبًا فِي فُتْيَاهُ وَ مَجْلِسًا ذَكَرْنَا فِيهِ جَدِيدٌ وَ ذَكَرْنَا فِيهِ رَتٌّْ وَ مَجْلِسًا فِيهِ مَنْ يَصُدُّ عَنَّا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ»^۲

سه مجلس است که خداوند آنها را دشمن داشته و عذاب خود را بر اهل آن می‌فرستد، پس با آنان ننشینید و مجالست نکنید:

نخست مجلسی که در آن کسی باشد که به دروغ فتوا دهد. دوم مجلسی که یاد و خاطره دشمنان ما در آن تازه شود؛ ولی ذکر ما در آن کهنه باشد. و سوم مجلسی که در آن کسی حضور دارد که مردم را از پیروی ما بازمی‌دارد و تو می‌دانی که او چنین کسی است.

البته باید توجه داشت که این مجالست و همنشینی حتماً لازم نیست که در مکانی خارج از خانه باشد بلکه امروزه با استفاده از یک شبکه ماهواره‌ای یا اینترنتی انسان می‌تواند خود را در مجلس و محفلی قرار دهد که مصداق فرمایش امام صادق علیه السلام است.

۱. تفسیر الثعلبی، ج ۴، ص ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۲؛ تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۵۱-۲۵۲. مشابه این روایت در بحار الأنوار (بیروت)، ج ۱۷، ص ۸۱ آمده است.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۸؛ الوافی، ج ۵، ص ۱۰۴۷؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۶۲.

تجلی توحید در حضرت ابراهیم علیه السلام و گفتگوهای استدلالی او بابت پرستان و ستاره پرستان

در آیات ۷۴ تا ۸۰، ابراهیم علیه السلام و گفتگوهای استدلالی او بابت پرستان و ستاره پرستان موضوع سخن قرار گرفته است. در این آیات او با ستاره پرستان و ماه و خورشید پرستان با زبان و ادبیات خودشان مناظره کرده و پس از باطل کردن ادعای آنها مبنی بر پروردگار بودن این اجرام آسمانی که خود آفریده آفریدگار یکتا هستند می فرماید:

«إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱

من به دور از انحراف و با قلبی حق گرا همه وجودم را به سوی کسی که آسمان ها و زمین را آفرید، متوجه کردم و من از مشرکان نیستم.

در روایتی امام صادق علیه السلام در آداب شروع نماز می فرماید:

«هنگامی که به نماز ایستادی در آغاز دستانت را بالا بیاور و بعد از سه تکبیر بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُ عَنِّي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ

سپس دو تکبیر گفته و بعد از آن می گویی:

لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَحَنَانِكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّ الْبَيْتِ

بار دیگر دو تکبیر گفته و بعد از آن می گویی:

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ... إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ

بعد از شیطان به خدا پناه برده (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفته) سوره حمد را

آغاز می کنی»^۲

رابطه توحید و نبوت

در آیه ۹۱ به رابطه توحید و نبوت اشاره کرده و آن را رابطه ای یکنواخت و متوالی بین همه پیامبران و مبدأ وحی یعنی خداوند متعال معرفی می کند هر چند مردم مغرض و بی ایمان بخواهند آن را گونه

۱. الانعام: ۷۹.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۱۰، حدیث ۷.

دیگری وانمود نمایند:

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتَخْفُونَ كَثِيرًا وَغُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ»

[یهودیان بر ضد پیامبر اسلام ﷺ به سفسطه‌گری پرداختند؛ چون] آنان خدا را آن‌گونه که سزاوار اوست نشناختند؛ زیرا گفتند: خدا بر هیچ بشری چیزی نازل نکرده. بگو: کتابی را که موسی آورده چه کسی نازل کرده؟ کتابی که برای مردم نور [و روشنگر حقایق] و [سرتاسر] هدایت است، شما آن را در طومارهای پراکنده قرار می‌دهید، بخشی از آن را [که دلخواه شماست برای مردم] آشکار می‌کنید و بسیاری از آن را [که گواه نبوت پیامبر اسلام ﷺ است] پنهان می‌دارید و حال آنکه حقایقی که نه شما می‌دانستید و نه پدران تان [به وسیله تورات] به شما آموخته شد.

مظاهری از قدرت خدا

در آیات ۹۵ تا ۱۰۳ مظاهری از قدرت خداوند متعال بیان شده است. یکی از این مظاهر ایمان مستقر و عاریه‌ای است که در آیه ۹۸ از آن سخن گفته شده است:

«هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ»

و اوست که شما را از یک تن آفرید، برخی [از شما] استقرار یافته [در زمین] و برخی به ودیعت نهاده [در اصلاب و رحم‌هایند]

در روایتی موسی بن جعفر علیه السلام یا فرزندش امام رضا علیه السلام فرمود:

خداوند پیغمبران را به نبوت خلق فرمود و جز پیغمبر نباشد و مؤمنین را بر ایمان آفریده و به جز مؤمن نباشد (یعنی اینان بر نبوت و ایمان شان ثابت قدم هستند و هرگز بر نمی‌گردند) و مردمی را ایمان عاریت داده، پس اگر بخواهد برای آنها به پایان رساند و اگر بخواهد از ایشان بازگیرد.

آنگاه امام علیه السلام فرمود: و در باره ایشان جاری است «فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ»: پس پایدار باشد و ناپایدار

راوی ادامه می‌دهد که حضرت علیه السلام به من فرمود: فلانی ایمانش عاریتی بود؛ همین که بر ما دروغ بست آن ایمان عاریه از او گرفته شد.^۱

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۱۸، حدیث ۴.